

عمده آثار اسرائیلی درباره ایران ربطی به انرژی هسته‌ای دارند

سینما و تلویزیون رژیم در مورد ما چه ساخته‌اند؟

جنگ اتمی

۲۴ فریم بر ثانیه!



محمدعلی یزدانیار

کشورهای متخاصم جان می‌دهد برای اینکه در موردشان فیلم بسازی! حالا فکر کنید یک طرف این ماجرا رژیم عبری است، طرف دیگر ایران و احتمالاً لازم است که آن طرف با آثارش نشان بدهد که سری در سرها دارد و در مورد ما مو را از ماست بیرون می‌کشد. جنگ نرم که می‌گویند یعنی همین! هنرمندان رژیم طی ده دوازده سال اخیر، چندین و چند اثر سینمایی و تلویزیونی در مورد ایران ساخته‌اند. در این شماره قصد داریم که نگاهی کوتاه به آن‌ها بیندازم و همراه شما آن‌ها را بررسی کنم.

عملیاتی، پرسرو صدا اما تو خالی

فیلم «عملیاتی» فیلمی تریلر و هیجانی است که در سال ۲۰۱۹ به‌طور بین‌المللی تولید شده و توسط کارگردان اسرائیلی یووال آذر نوشته و کارگردانی شده است. این فیلم بر اساس رمان عبری «معلم زبان انگلیسی» (המורה ללשון) اثر یفتاح ریچر-اتیار، یک افسر سابق اطلاعاتی، ساخته شده است. بازیگران اصلی این فیلم دیان کروگر، مارتین فریمن و کاس انور هستند. داستان فیلم از این قرار است که توماس یک یهودی بریتانیایی که تا یک سال پیش برای سازمان اطلاعاتی موساد اسرائیل در آلمان کار می‌کرد به بازنگشته شده است، اما هنوز به برخی از سیستم‌ها و منابع کارفرمای سابقش دسترسی دارد. پس از مدتی او از دوست و همکار ناپدید شده‌اش ریچل یک تماس مرموز دریافت می‌کند. توماس به یک خانه امن در کلن فراخوانده می‌شود تا به پیدا کردن ریچل کمک کند. از قضا آخرین مأموریت ریچل این بود که به عنوان یک معلم زبان انگلیسی در تهران فعالیت کند و به نظارت بر فرهاد رضوی، سکندار یک شرکت الکترونیکی ایرانی بپردازد. بعد کاشف به عمل می‌آید که ریچل با فرهاد روابط خاصی ایجاد کرده و می‌شود او را به مهره‌ای علیه برنامه هسته‌ای ایران تبدیل کرد. آخر ماجرا هم که نگفته معلوم است، نه؟

«عملیاتی»، قرار بود فیلم پر سر و صدایی باشد، کستینگ فیلم پر و پیمان بود. مارتین فریمن و دایان کروگر دو نقش اصلی فیلم را بازی می‌کردند و چند کمپانی معتبر تهیه و توزیع فیلم، پشت تولیدش را گرفته بودند. با همه این اوصاف، فیلم اصلاً چیزی نبود که در ابتدا قرار بود باشد، نه فروخت، نه تحسین شد، نه سر و صدای خاصی کرد. منتقدان رژیم فیلم را به راحتی هر چه تمام‌تر نادیده گرفتند، کاری که همکارانشان در اقصی نقاط جهان هم انجامش دادند. معدل نمره منتقدین این فیلم در سایت متاکریتیک ۴۷ از ۱۰۰ است، و در IMDb از حدود ۸۰۰۰ رأی نمره ۵٫۸ را به دست آورده است. فکر کنید قرار است که اثری بسازید تا دنیا را تکان بدهد، اما حتی پشه‌ای هم نجنبند، عجیب است دیگر، نه؟ به عنوان مثال، منتقد روزنامه گاردین در مورد این فیلم نوشته است: «بینندگان احتمالاً برای دیدن فیلمی با المان‌های شناخته شده جاسوسی به سینما می‌آیند – هیجان، تنش، تعلیق – و توقع دارند که در فیلم با چنین مواردی روبه‌رو شوند؛ ظرافت شخصیت، پیچیدگی عاطفی و معضلات انسانی قابل باور. اما فیلم «عملیاتی» به‌طور کامل تمام این امیدها را نابود می‌کند، به‌ویژه که در تمامی لحظات به شکل شگفت‌آوری کسل‌کننده و حوصله‌سرباز است.»

اورشلیم پست در گزارشی سرریال
«تهران» را یک موفقیت جهانی برای
رسانه‌های تصویری اسرائیل خوانده است

بیا مهاجرت کنیم، بابا جون

«بابا جون» (באבא جون) درامی اسرائیلی است که در سال ۲۰۱۵ به کارگردانی یووال دلشاد ساخته شده و این اولین تجربه کارگردانی او محسوب می‌شود. این فیلم داستان یک خانواده مهاجر با ریشه‌های ایرانی را روایت می‌کند که یک پرورشگاه بوقلمون را اداره می‌کنند. تمرکز فیلم روی درگیری بین پدر و پسرش است که از ادامه دادن سنت شغلی خانواده امتناع می‌کند. این فیلم در بخش سینمای معاصر جهان در جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو در سال ۲۰۱۵ به نمایش درآمد و همچنین در ۲۷ جشنواره دیگر در سراسر جهان شرکت کرد. این فیلم جایزه بهترین فیلم را در جشنواره اوفیر ۲۰۱۵ به دست آورد و به عنوان نماینده اسرائیل برای بهترین فیلم خارجی‌زبان در هشتاد و هشتمین جوایز اسکار معرفی شد که بخت یارش نبود و همانجا پشت در باقی ماند!

«باباجون»، با بودجه‌ای حدود یک میلیون دلار ساخته شده و بخشی از تأمین مالی آن از سوی اعضای جامعه یهودی ایرانی در بیورلی هیلز و لس‌آنجلس صورت گرفته است. «باباجون» نمونه‌ی متعالی یک فیلم جشنواره‌ای است، و بر خلاف فیلم «عملیاتی» این یکی اتفاقاً توسط جوامع یهودی بسیار تحویل گرفته شده است. «سازمان زنان صهیونیست آمریکا» نقدی بسیار مثبت بر فیلم نوشته است، آن‌ها در انتهای مقاله خودشان، از واکنش ایران به این فیلم تأسف می‌خورند: «حکومت ایران، فیلم را یک پروپاگاندای سیاسی می‌داند که هدفی جز قطع ریشه‌های یهودیان ایرانی مهاجر در اسرائیل و دور کردن آن‌ها از میراثشان در ایران ندارد!»

به‌زودی در تهران

فلافل اتمی خواهیم خورد!

دو نمونه از آثار اسرائیلی هم سر و صدا کردند، هم روی موضوع حساسی دست گذاشتند. «فلافل اتمی» و سرریال «تهران». فلافل اتمی، فیلمی کم‌دی با مضمونی حساس است، دو دختر در دو شهر اتمی، در دو سر این ماجرا قصد دارند با لو دادن اطلاعات سری نظامی به یکدیگر، از جلوگیری جنگ اتمی جلوگیری کنند! حساسیت فیلم آنجایی بالا رفت که در مورد یک جنگ تقریباً هسته‌ای صحبت می‌کرد.

و اما می‌رسیم به تهران، سرریالی که جنجالی‌ترین محصول در رژیم عبری در مورد ایران است. شخصیت اصلی تهران، تامار رابینیان، زن جوان یهودی است که در ایران به دنیا آمده اما در اسرائیل بزرگ شده است. یک مأمور موساد و هکر کامپیوتر که در تهران پرخرج‌ترین اثر تصویری اسرائیلی است که تا به حال ساخته شده است و نکته جالب اینکه آمار و ارقام هزینه‌های تولید این سرریال در دسترس نیست! در حالی که چنین آمار و ارقامی برای اکثر سرریال‌های پخش شده در اپل پلاس قابلیت دسترسی دارند. سرریال از جانب رسانه‌های رژیم عبری بسیار تحسین شده است، اورشلیم پست در گزارشی این سرریال را یک موفقیت جهانی برای رسانه‌های تصویری اسرائیل خوانده است. مجله موزاییک که مجله‌ای چندمنظوره برای سبک زندگی یهود است، در مقاله‌های متنوعی به این سرریال پرداخته است و حتی به سراغ ناهم‌خوانی‌های ایران واقعی با ایران سرریال هم پرداخته است. سرریال از منتقدین متاکریتیک نمره خوب ۷۲ از ۱۰۰ را به دست آورده است. دوروتی رابینوویتز، روزنامه‌نگار سرشناس یهودی برای وال استریت ژورنال درمورد این سرریال نوشته است: «هرچند به عنوان یک داستان جاسوسی کمی بعید است، اما «تهران» در طول داستان خود تنش را حفظ می‌کند، شاید به این دلیل که ما با چیزی بیش از یک سرریال جاسوسی طرف هستیم. این داستان شامل تقابل و تضاد فرهنگ‌ها و هویت‌های از دست رفته است...»

تهران را به عنوان معروف‌ترین اثر بین‌المللی اسرائیل می‌شناسند که تا به حال جواب درخوری هم از جانب ما نداشته است.

سخن آخر

گفتم جواب درخور، و یادم افتاد مدتی بعد از پخش فیلم «سیصد»، خبر آمد که سرریالی در پاسخ به آن ساخته شده است که به زودی پخش خواهد شد. نتیجه سرریالی بود به نام «چهل سرباز» که همزمان موفق شد مهم‌ترین داستان‌های ملی و مذهبی ما را به شکل جداگانه با بدترین کیفیت ممکن تصویر کند. حالا هم می‌ترسم درخواست جواب درخور داشته باشم و اتفاق بدتری برای خودمان بیفتد. در دنیایی که «تهران»‌ها می‌توانند بر افکار عمومی سراسر جهان – من جمله هموطنان خودمان – تأثیر بگذارند، این بی‌خیالی در تولید یک اثر قابل و چسبیدن به گاندوها، واقعاً جای سؤال ندارد؟